



LIDA Stories

lidastories.net

کار پتلا کریں

✎ Espen Stranger-Johannessen
& Sunniva Høyby-Øiset
☞ Sam Saf



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

کار پتلا کریں



✎ Espen Stranger-Johannessen
& Sunniva Høyby-Øiset
☞ Sam Saf
4
فارسی Fa



آلیتدیدگر پیدا کند، چون خانواده اش برای غذا و لابس به پول احتیج دارند.



اون به خودش افتخر میکنه، چون حالا یک شغل داره و میتونه پول خودش برای خانواده اش غذا و لابس بخره.

کر همیشه.

عصر ه یهتی وقتیی هخه بچی از مدرسه برمیگردن خوننه سر متره، بهشی یک کر بیستهدو همیشه. کر سخته. اون خنن اغلب، رفته بعدی که آینه برای یک مصلحه شغلی به یک رستوران



حرف زدن مردم خوشش میاد.

آینه در کشور خورش کر نمی کره، اه آشپزی اون خوننه و از





تلاش کنید بتونه تو یه رستوران کار کنه؟ آیتلا تو اینترنت دنبال آگهی های شغلی میگردی.

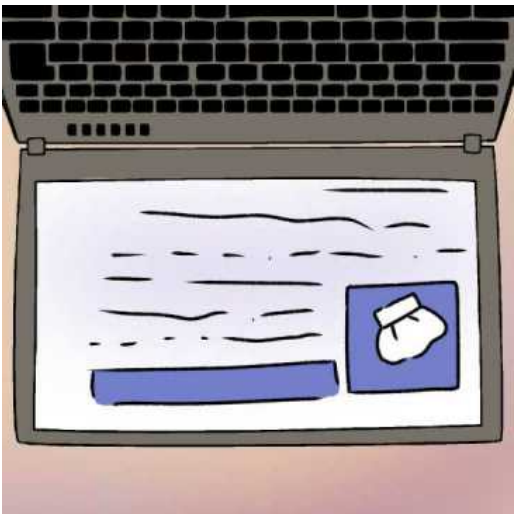


اون جزئیات دوره اش رو به CV اش اضافه میکنه. CV در رزومه، شرح جزئیات تمام شغل های قبلی و همینطور همه کلاسها و دوره های آموزشی گذرانده شده است.

آیة مخبوره که به عنوان بخشی از دوره آموزش در یک رستوران کار کنه. اونجا بهش حقوق نمیدن، اها این یک تجربه کاری محسوب میشه.



اون به آگهی پیدا می کنه که برای استخدام سرآشپزه. توی آگهی نوشته که کسی رو می خوان که توی رستوران غذا بپزه.





اون میره واسه معضوبه شغلی. مدیر رستوران بهش می‌گه
که اونج کسی رو می‌خوان که بعنوان سرآشپز، آموزش
دیده‌باشه.



آلینده امید همیشه، اه اون در یک دوره آموزشی بدم «غذا و
مهنداری» ثبت‌لام می‌کنه. اون امیدواره که این دوره بتونه
بهش کمک کنه در یک رستوران گر پیدا کنه.